پرونده ویژه ۱: دلایل عدم کتابخوانی مردم ایران (بخش دوم)

خوانندگان گرامی بخش پرونده ویژه، شایسته است قبل از شروع مصاحبه، کارشناس این قسمت را خدمتتان معرفی کنم.

ابراهیم فتوت، شاعر، مترجم و عکاس ساکن اصفهان. تخصص وی ترجمه‌ی شعرهای خارجی زبان است. از محبوب‌ترین آثار وی می‌توان به کتاب فانوس دریایی اشاره کرد.

+ سلام جناب فتوت، احوال شما؟
– سلام و احترام.

+ اجازه بدهید تا از شما بابت قبول مصاحبه تشکر کنم.
–خواهش می‌کنم عزیزم ،سلامت باشید ان شاء ا ،راستش اگر حقیقتش را بخواهید خودم را در حدی نمی‌بینم که بخواهم برای بهبود وضعیت نامناسب کتاب‌خوانی در کشورمان ایده‌ای ارائه کنم و سعی می‌کنم جای اینکه بخواهم یک تئوری برای بهبود وضعیت کتاب‌خوانی در ایران ارائه کنم ،یک کتاب برای ترجمه در دست بگیرم یا اینکه بخواهم محافلی اینترنتی در جهت گسترش کتاب‌خوانی در ایران برپا کنم، خلاصه‌ی کلام اینکه ترجیح می‌دهم به‌جای اینکه گوشه‌ای بنشینم و بگویم چه‌کار کنیم و چه‌کار نکنیم ،خودم دست به عمل شوم چراکه تا دلتان بخواهد در جامعه تئوریسین و مدیر داریم که هم بهتر از من حرف می‌زنند و هم از بنده بزرگوارترند ،به همین علت کمی از مصاحبه کردن فراری‌ام.

+ میشه لطفاً یک خلاصه کلی از داستان فانوس دریایی ارائه بدید؟
– فانوس دریایی یک روایت پسامدرن است از زندگی موجوداتی که خودشون را به دنیای مدرن و امروزی بسته‌اند ، گوشه گوشه‌ی دنیاهای مدرن ما پرشده از آدم‌های حقیقی و مجازی و بااین‌حال همه‌ی ما به‌تنهایی دچار هستیم و داستان ،دو روایت مختلف دارد از دو شخصیت متفاوت و این دو شخصیت هریک نماینده‌ی یک دیدگاه متفاوت در جامعه هستند بااینکه هردو در یک دنیا زندگی می‌کنند ،دنیای شخصی آن‌ها از هم بسیار دور است ،اما در عین دور بودن این دو دنیا از هم اشتراکات بسیاری بین آن‌ها دیده می‌شود. داستان روایت دوگانه‌ای دارد از این دوشخصیتی که عرض کردم و درگیری این دو شخصیت باهم دیگر که گرچه خیلی کم و کوتاه است اما محور اصلی داستان رو تشکیل می‌دهد. یکی از شخصیت‌های داستان مردی است که تو زندگی خانوادگی‌اش موفق نبوده و برای حال و هوا عوض کردن به آلمان سفر می‌کند تا در یک پیاده‌روی جمعی شرکت کند و در این مسیر برایش اتفاقاتی می‌افتد که به داستان شکل می‌دهد ،و اگر بخواهیم داستان را به لحاظ فرمی بررسی کنیم باید بگویم داستان فرم خاصی ندارد و شاید بتوان فرم داستان را شبیه به داستان بیگانه اثر آلبرکامو دانست.

+ استاد فتوت ،چه شد که فانوس دریایی را برای ترجمه انتخاب کردید؟
– ببینید ترجمه‌ها دیگر معمولاً این روزها حالت تجاری پیدا کرده‌اند و بیشتر به‌صورت فرمایشی انجام می‌شوند ،یعنی ناشران کتاب‌هایی را که این روزها پرفروش هستند را انتخاب می‌کنند و کار ترجمه را به یک مترجم ، یک ماقبل مترجم و یا حتی فردی که تنها یک دیکشنری داشته باشد می‌سپارند و کار را این‌گونه به بازار می‌رسانند و بازار هم به عناوینی مثل پرفروش‌ترین رمان سال جذب می‌شود و اصلاً خواست و سلیقه‌ی خواننده‌ی ایرانی در انتخاب رمان مؤثر واقع نمی‌شود. فانوس دریایی را طی گشت‌وگذاری در اینترنت پیدا کردم ،راستش مدتی بود که داشتم روی نویسنده‌های بریتانیایی کار می‌کردم و این کتاب را خیلی اتفاقی به‌عنوان یک رمان انتخاب کردم و با توجه به اینکه کار کردن روی رمان‌های سنگین و پرحجم به درد حال و هوای این روزهای کشورمان نمی‌خورد ،جلب این کتاب شدم و وقتی داستان را خواندم جذب روایت عجیب داستان ، فضای عجیب‌تر داستان و نویسنده‌ی داستان شدم و بر آن شدم که کار را ترجمه کنم پس با ناشر صحبت کردم و ناشر هم کار را قبول کرد.

+ آقای فتوت ،محوریت اصلی مجله‌ی کتابدار در رابطه با کتابخانه‌های عمومی است،پس بگذارید به‌عنوان اولین سؤال ازتان بپرسم، چگونه کتابخانه‌های عمومی می‌توانند در پیشرفت سطح کتاب‌خوانی یک جامعه تأثیرگذار باشند ؟
– خدمتتون عرض کنم که کتابخانه‌های عمومی در حقیقت مکانی هستند برای تجدیدقوای فرهنگی و می‌توانند با برگزاری برنامه‌هایی مخاطب رو به‌سوی خودشون جذب کنند ،اما در ایران تنها در زمان امتحانات کتابخانه‌ها بی‌اندازه شلوغ می‌شوند و جدا از اون زمان‌ها شما هر وقت که وارد کتابخانه‌ای عمومی بشوید، دانشجویانی را می‌بینید که متوسل به

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

رفتن به دوره‌های کارشناسی ،دکترا و... هستند، کمتر در کتابخانه‌های عمومی دانشجو یا دانش‌آموزی را دیدم که در حال خواندن کتابی متفرقه باشد و اگر این موضوع را نقطه‌ضعفی برای کتابخانه‌ها بدانیم ،بهتر است برای رفع این ضعف کتابخانه‌ها برای همه‌ی اقشار جامعه برنامه‌هایی تدارک ببینند و از طریق این برنامه‌ها مخاطب را به مطالعه و کتاب‌خوانی جذب کنند.

+می‌شود در سطح شهر، دانشگاه‌ها و در داخل مدارس کتابخانه‌های عمومی را پیدا کرد ،بگذارید به کتابخانه‌ی مدارس و مسئولان آن‌ها مانند معاونین پرورشی و غیره بپردازیم، این‌گونه کتابخانه‌ها و مسئولان آن‌ها چگونه می‌توانند به بهبود وضعیت کتاب‌خوانی در ایران کمک کنند؟
-هرچه بخواهیم باریک‌بین‌تر باشیم و به کتابخانه‌های خاصی مثل کتابخانه‌های مدارس بپردازیم وضعیت بدتر می‌شود، برای مثال بگذارید از دانشگاه خودم یاد کنم، تا آنجا که به خاطر دارم کتاب‌های کتابخانه حداقل پنج سال از تازه‌های نشر عقب‌تر بود و من به‌عنوان یک فرد کتاب‌خوان نمی‌توانستم کتابی که به‌تازگی منتشرشده را در آنجا پیدا کنم ،البته آن روزها قیمت کتاب‌ها کمی پایین‌تر بود و سرانه‌ی کاغذ به ناشران داده می‌شد اما حتی با آن قیمت‌ها هم کتاب‌ها چهار پنج سال از بازار کتاب عقب بودند و این یک نقطه‌ضعف محسوب می‌شود و متأسفانه کسی تسهیلاتی به کتابخانه‌ها نمی‌دهد ،اگرچه طبق قانون همچین تسهیلاتی باید به کتابخانه‌ها ارائه شود، درنتیجه کتابخانه‌ها نمی‌توانند کتاب‌های روز را بخرند درحالی‌که طبق نام و عنوان قوانین، کتاب‌ها باید به‌روز باشند اما هیچ کتاب به‌روزی در کتابخانه‌ها دیده نمی‌شود و قاعدتاً مدارس می‌توانند با به‌روز کردن کتاب‌ها و برگزاری برنامه‌های فرهنگی, برنامه‌هایی که بتواند دانشجو و دانش‌آموز را جذب کنند وضعیت بازار کتاب را بهبود ببخشند، حداقل برنامه‌هایی که می‌توانند برگزار کنند ,مسابقه‌ی کتاب‌خوانی است و آن‌هم نه با جوایزی مانند خودکار بیک یا غیره ،جوایز باید به شکلی باشد که حداقل انسان‌ها را به عشق جایزه هم که شده ،به کتاب خواندن وادار کند.
خلاصه بگویم ،با بروز کردن کتاب‌ها و همگام کردن کتابخانه‌ها با تکنولوژی وضع بهتر می‌شود.

+ والدین دانش آموزان و بعضاً دانشجویان ،عموماً کتاب را به‌عنوان یک مزاحمت برای درس خواندن فرزندانشان می‌دانند، آیا واقعاً باید کتاب غیردرسی را یک مزاحم دانست؟
—سؤال خوبی بود، نهاد اولیه‌ی فرهنگسازی در جامعه‌ی ما خانواده است ،خانواده‌ها از طریق نگاهشان به کتاب می‌توانند به فرزندانشان فرهنگ بیاموزند. مدرک‌گرایی آفت بزرگی است که به جان خانواده‌ها افتاده و اگر ما به کتاب خواندن به‌عنوان عامل مزاحم برای پیشرفت نگاه کنیم و هدف رو فقط گرفتن مدرک بدانیم با مشکل به وجود آمدن دیدگاه غلط درباره‌ی کتاب مواجه می‌شویم . من ابداً چنین فکر نمی‌کنم، کتاب مزاحمت نیست، و کتاب‌ها اگر خوب فیلتر بشوند، خوب ترجمه بشوند و از همه مهم‌تر خوب انتخاب بشوند، انسان‌ساز هستند و انسان بودن بیشتر از مدرک دار بودن اهمیت دارد ،انسان بودن خیلی مهم‌تر از دکتر بودن است و ما گاهی این موضوع رو فراموش می‌کنیم، متأسفانه مدرک‌گرایی انسان‌ها را از گوهر وجودشان دور کرده و در حقیقت کتاب‌ها قطعه‌ی گمشده‌ی وجود انسان هستند که ما را کامل می‌کنند.

+ در بین تمام افراد حقیقی و حقوقی که در فرآیند انتخاب، فیلترینگ، ترجمه و در کل نشر کتاب شرکت دارند ،چه کسی نقش مهم‌تری در درست کردن اوضاع کتاب‌خوانی ایران دارد؟
—سیستم فرهنگی مثل یک ماشین می‌ماند ،اگر تنها یکی از بخش‌های ماشین دچار مشکل بشود شما با یک سیکل معیوب مواجه می‌شوید و نمی‌توانید به راندمان صددرصدی برسید ،اگرچه در ایران کار سیستم تولید کتاب به همان هفتاد یا هشتاد درصد هم برسد وضع از این وخامت درمی‌آید و کارمان راه می‌افتد.وقتی ما در مورد یک سیستم حرف می‌زنیم هر قسمت حتی جزئی‌ترین قسمت‌ها هم اهمیت پیدا می‌کند ،از وضعیت اقتصادی کشور گرفته تا مترجمان و فروشندگان کتاب همگی نقش مهمی دارند و من مترجم نمی‌توانم بگویم که من نقش پررنگ‌تری دارم ، اما اگر ناشرها کمی دست از تجاری بازی بردارند و اگر ناشران ما جای اینکه فقط فکر بفروش بودن کار باشند به فکر خوب بودن کار هم باشند و اگر مترجمان ما برای امرارمعاش و ماهی فلان قد تومن نخواهند ترجمه بکنند ،اگر کتاب‌فروش‌های ما از زیر فشار مالی اجاره‌ی و مغازه و... دربیایند ، اگر جامعه‌ی ما به‌جای اینکه ساعت‌ها وقتشان رو در تلگرام ،اینستاگرام و... تلف کنند روزی ده دقیقه به کتاب خواندن و کتاب بدهند و اگر وضعیت کپی‌رایت درست بشود و اگر فیلترهای ارشاد کمتر و بشه و هزاران اگر اتفاق بیافتد ،شاید ما روزگاری نسبت موقعیتی که الآن داریم با حسرت نگاه نکنیم.

+ استاد فتوت، شما به‌عنوان کسی که سال‌هاست تکنولوژی به خدمت کتاب درآوردید و من هم مدتی در جوار شما بودم و واقعاً تو همون مدت کوتاه تأثیرات زیادی ازتون گرفتم و دیدم که چگونه به‌خوبی تکنولوژی رو رام کتاب کردید، میتونید به ما بگید که چگونه می‌شود همکاری کتاب و تکنولوژی رو بیشتر کرد و چه کسانی می‌توانند این کار رو انجام بدن؟
— لطفاً اجازه بدهید اول جواب سؤال دومتان رو بدم، همه‌ی ما می‌توانیم به شرطی که بخواهیم ،دوست بزرگوارم لطفتون به من بسیار زیاده، ما باید تکنولوژی به‌عنوان بخشی از زندگی‌مان کنار بیایم، اگر ما به تکنولوژی به‌عنوان یک

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

تسهیل‌کننده برای رسیدن به هدف نگاه کنیم و نه یک ابزار که بخواهد هدف را توجیه کند. گروه کتاب‌خوان، گروهی که شما فرمودید باعث تغییر دیدگاهتان درزمینهٔ کتاب‌خوانی شده ،مدت‌ها پیش به همت چندی از دوستان و راه انداختن چند وب‌سایت آغاز به کار کرد ، ما نیاز داریم به امثال این گروه‌ها ،ما نیاز داریم به امثال نرم‌افزارهایی مثل طاقچه و فیدیبو برای اینکه کتاب خواندن رو تسهیل بکنیم، شاید گاهی اوقات حتی انسان‌های امروزی هم در مقابل مطالعه‌ی الکترونیکی گارد بگیرند ،اما فراموش نکنید که افکار ما عمل ما می‌شوند و اگر اندک‌اندک ذهن خود را به‌سوی استفاده‌ی درست از تکنولوژی ببریم ،شاید در فضای مجازی با افراد اندکی در حدود صد یا دویست نفر در مورد کتاب صحبت کنیم ،معرفی کتاب داشته باشیم و به‌جای جوک و داستان‌های دیگر در مورد کتاب بحث کنیم ،می‌توانیم سبک زندگی خودمان را به سمتی ببریم که مطالعه بخشی از اون باشد.

+آقای فتوت در بین صحبت‌های شما سؤالی برای من پیش آمد ،آیا شما به‌عنوان یکی از بهترین مترجمان ایران ،کتاب‌های چاپی رو به الکترونیکی ترجیح نمی‌دهید؟
– سؤال سختی بود، حقیر هم مطالعه‌ی الکترونیک دارم و هم مطالعه‌ی غیر الکترونیک و اگر بخواهم بگویم کدام نسبت به دیگری برتری دارد باید اعتراف کنم که حس کتاب ،حس متمایزی است ،حس لمس کردن کتاب ،بوی آشنای کتاب و حس نوستالژی کتاب ،اما نباید فراموش کنیم که امروزه موبایل و تبلت نزدیک‌ترین کسان ما هستند و اگر ما بگوییم که کتاب باید جایگزین موبایل شود ،شاید حرفمان حالت شعار پیدا کند، بنده هم ای-بوک ریدر دارم و هم کتاب چاپی می‌خوانم و حقیقتاً فرهنگ‌سازی کار سختی است و در کشورهای خارجی مردم با کتاب‌های دیجیتال کنار آمده‌اند و مثلاً شرکت آمازون با تولید کتاب‌خوان کیندل توانسته کتاب‌خوانی بسیار ارزان به مردم ارائه دهد اما از سوی دیگر محتوی را باقیمت بالا به فروش می‌رساند و یک درگاه اقتصادی برای ناشران ،نویسندگان و مترجمان به وجود می‌آورد، اما در کشور ما که نه کپی‌رایت رعایت می‌شود و نه حق ناشر به‌طور کامل پرداخت می‌شود، تا برنامه‌ای جامع به وجود نیاید کتاب الکترونیکی نمی‌تواند فرصت شایسته‌ای برای ناشران به وجود بیاورد و من بااینکه به هر دو سبک کتاب‌خوانی عادت دارم به دلایل ذکرشده کتاب کاغذی را ترجیح می‌دهم.

+ استاد فتوت ممنون از شما،به‌عنوان سؤال آخر آیا کاری بعد از کتاب فانوس دریایی در دست دارید؟
– مجموعه‌ی شعری در آینده‌ی نه‌چندان دور با ترجمه‌ی من به بازار خواهد آمد ، به‌علاوه کتابی به نام گوش جان سپردن به آوای ملخ‌ها هم که مجموعه مقالاتی پیرامون دموکراسی هست هم در آینده چاپ خواهد شد.

+ خیلی ممنون از شما، خیلی لطف کردید.
–خواهش می‌کنم محمد جان شادباشید.
–شادباشید،بدرود.

مصاحبه کننده:محمد رضا چهارسوقی

تاریخ مصاحبه: ۱۸ دی ۱۳۹۴

روش مصاحبه:تلفنی

فایل صوتی مصاحبه فوق را ازاین لینکدانلود کنید یا آنلاین بشنوید:

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	محمدرضا چهارسوقی
عنوان مقاله:	پرونده ویژه ۱: دلایل عدم کتابخوانی مردم ایران (بخش دوم)
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: i-Kitابdار 2.0)
دوره مجله(Vol):	
شماره مجله(Issue):	

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.



مشخصات استناددهی به این مقاله

سال(Year): ۱۳۹۴
شناسه دیجیتال(DOI):
لینک کوتاه: http://lib2mag.ir/2268

lib2mag.ir

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.